

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

الحاج خلیل الله ناظم باختري

همبورگ - ۲۷ نومبر ۲۰۱۴

آخرین قسمت رباعیات و دوبیتیها

(بخش پانزدهم)

مرگ یک دوست در دیار غربت

غندی غیرت انیس و مونس یاران برفت
عبدالکریم بابکر آن مرد بالیمان برفت
روز و شب در فکر میهن بود و سودای وطن
الغرض، کوتاه سخن، در عالم هجران برفت

مزاح با اسیر

نام وی باشد "اسیر" و میرود سیر و سفر
چون نسیم صبحگاهی هر کجا دارد گذر
نی به عید و نی برات و نی به نوروز قدیم
هیچ گه خانه نمیباشد، چو باشد معتبر

نوکر نبود

خادم دین رسول الله که بود
آن که سکه زد و پادشاهی نمود
هرچه بودی دزد بود یا راهزن
نوکر روسیه و لندن نبود

به نعمت الله مختار زاده

نامه ای از جانب آن دوستدار ما رسید
از جناب نعمت الله بر دیار ما رسید
شعر مختار زاده مانند طلای احمر است
مرحبا ناظم که تاج افتخار ما رسید

سزاوارِ زعامت

تو بودی پادشاهِ بادیانـت تو بودی غمگسارِ ملک و ملت
برای وحدت و صلح و تفاهم تو بودی لایقِ شأنِ زعامت
